

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره هفتصد و دهم

توی دنیای پر از اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهر ونگ»

پیر را گفتم: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟



خاطرات ترامپ

باجناق چتر باز!



دوشنبه: نانسی پلوسی می خواست تعطیلات سال نو رو بره بگرده، در حالی که ۸۰۰ هزار نفر انسان فوق العاده به خاطر تعطیلی دولت تعطیلاتشون خراب شده! این بود که جلوی سفر پلوسی رو گرفت! البته الان که خوب فکر می کنم کاش می گذاشتم بره و بعد اجازه برگشت نمی دادم! عین همین مهاجری بد! افغانستان کشور خوبی برای پلوسی! همونجا می توانست برای انتخابات ریاست جمهوری افغانستان هم ثبت نام کنه! بسا یکی دو میلیون رأی، یکی دو میلیون اختلاف می توانست برنده بشه! آمریکا و اون ۸۰۰ هزار نفر هم نفس راحتی می کشیدند!

سه شنبه: این قضیه تعطیلی دولت فدرال دیگه داره اذیتم می کنه. امروز خواهر ملانیا و باجناقم برای عید دیدنی اومده بودند کاخ. هر چی دست دست کردیم بروند، هی حرف می زد! اونی می پرسید: «ایوانکا جان چطوره؟! اون پسر کوچیکتون مدرسه ش خوبه؟ ریاضی تا کجا خونده؟! دختر صد برگ چقدر گرون شده!» اینا که تموم شد باجناقم شروع کرد: «استی دونالد این دیوار مرزی مکزیک رو متری چند می سازند براتون؟! بنا آشنا سراغ دارما! می خوای بتون کار کنی یا تیر آهن؟ قیمت نبشی چنده الان توی مرز؟! بعد که این حرفا تموم شد من هی شروع کردم به خمیازه کشیدن و سکوت که بلند شن برن. تا خواهر ملانیا به شوهرش نگاه کرد که خب ما کم کم بریم، این زن احق من گفت شام میمونین! اینام همون لحظه نشستند! حالا من و ملانیا رفتم دم در که اینا بلند شن برن! همینجور نشستن: «از ایوانکا چه خبر؟ نمیخوان بچه دار شن؟!» این شد که زنگ زدم مک دونالد و برای کل کاخ سفید شام خریدم!

پنجشنبه: دعوا با دموکرات ها سر بودجه دیوار مرزی مملکت رو به فنا داده! خیابونا رو بوی پشکل برداشته. حیف که راجر واترز گیتارو با خودش برده و گرنه الان باید بغل تیر چراغ برق، خوشه گندم به دهنم می گرفتیم و می خوندم:

یه دیواره، یه دیواره، که هیچی بودجه نداره، پول دیوارو نمیده این دموکرات، دیگه قطع شده آب و برق و مخابرات! یه برندهس به برندهس یه برندهس، یه ترامپه که از برد خود خستناش، پول و کارشو گرفتن پس نمیدن، حتی یادش نمیداد چرا نمیدن!

یکشنبه: ملانیا و بچه ها خانه نبودند. زیر پتو داشتم قاچ پیتزا پهرونی ام را می خوردم که یکهو سر یکی از محافظا اومد زیر پتو! ترسیدم! گفتم: احق اینجا چکار می کنی؟! گفتم: قربان من دارم وظیفه مو انجام میدم! گفتم: زیر پتو چه وظیفه ای انجام میدی؟! گفتم: جناب رئیس جمهور؟! من از علم امنیت سر درمیارم یا شما؟! خواهش می کنم مانع کار ما نشید! گفتم: میمون، زیر پتو داخل کاخ سفید چه نامنی ای هست؟! گمشو برو الان یکی می بینه، فکر بد می کنه. باید حق السکوت بدم! گمشو! گفتم: یعنی می فرمایید مشکل حفاظتی وجود نداره؟! گفتم: نه، گفتم: باشه، پس من یه قاچ پیتزا برمی دارم!!

قیمت مرغ هم چند نرخی شد
شهر ونگ انواع مرغ موجود در بازار را بررسی می کند

مرغ برنت دریای شمال

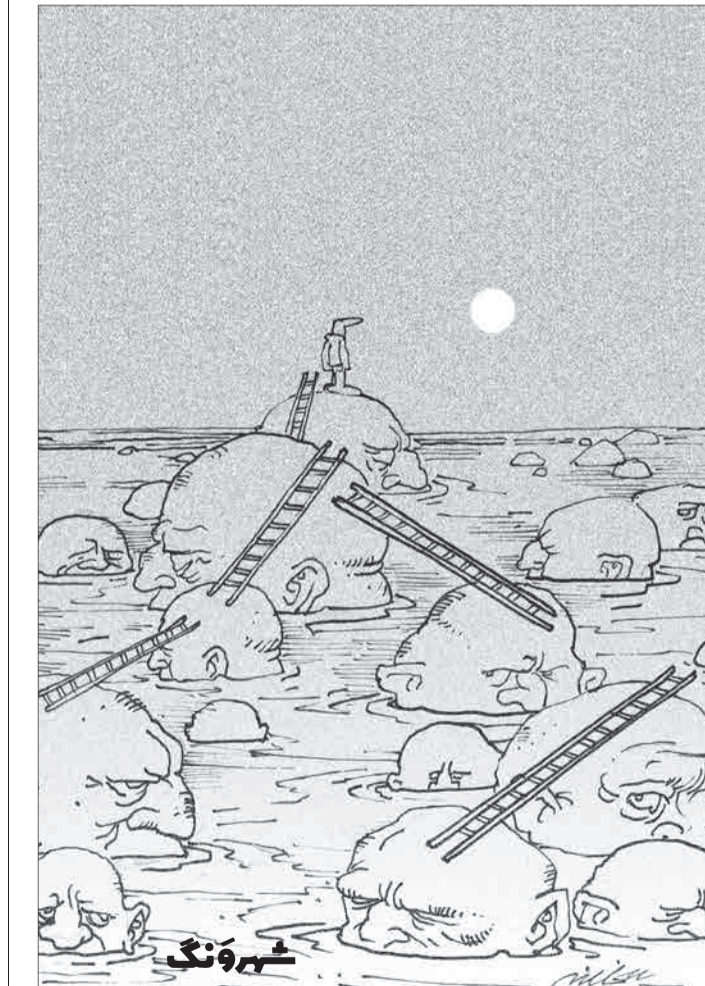
- «مرغ به قیمت روز اوپک با توجه به کاهش تولید!»
- «مرغ به قیمت دلال های جلوی کشتار گاه!»
- «مرغ به قیمت قصابی های مجاز سر تاسر کشور بازار ایه کارت ملی وسند از دواج!»
- «کارگر: لااقل تخم مرغ رو ارزون کنید، اون رو بخوریم!»
- «خروس حسود: به مرغ که رویدی، آخرش همین می شه دیگه!»
- «مومیایی: یه جوجه کباب رو می ذاشتید بمونه.»
- «#مرغ_رو یایی #بذار_بخوریمت #شهر ونگ»

مدیر برج میلاد: صدای عجیبی که از برج میلاد شنیده شده صدای افتادن یک قابلمه بوده!

قابلمه: باشه بابا من گردن می گیرم!

- «شهر ونگ: آقا اگه می شه بیا تیتترهای مارو تو بزن!»
- «بوی بد تهران: منم حاصل لوبیا خور دن توی همون قابلمه ام!»
- «سد دز: منم حالا به قابلمه آب از مرد شد، یه کم خیس شدید، شلوغش نکنید!»
- «مومیایی: خخخخ، کسی آیدی اینستاگرام این آقا رونداره؟»
- «#چقدر_باحالید #پسه_جدی_باشید #شهر ونگ»

شهر فرنگ | احمد سخاوارز | کارتونست



از نخستین کتاب جامع مجموعه کارتون ها و کاریکاتورهای «جواد علیزاده» رونمایی شد

جواد علیزاده: نمردیم و یک کتاب منتشر کردیم!



از کتاب برگزیده آثار کارتون و کاریکاتور «جواد علیزاده» در مرکز همایش های بین المللی رازی رونمایی شد

علیزاده کار یاد گرفتند، همانند خودشان بیشتر کار می کنند تا صحبت. من شخصاً از ایشان تشکر می کنم. او خطاب به علیزاده گفت: «شاید خیلی ها همانند من بایندنگاهنامه های شمار در دوران جنگی که همه چیز خاکستری بود و هیچ رنگی نبود، عاشق کاریکاتور شدند. این نگاهنامه ها در چغای بود که ما را به دنیا ارتباط داد و اگر نبودند دنیای ما همان جنگ می ماند. شما به ما یاد دادید که چند بُعدی باشیم و به همه مسائل فکر کنیم. از شما خیلی چیزها یاد گرفتیم. شما قلمتان را فروختید و به ما اخلاق و حرفه ای گری یاد دادید.»

در ادامه جواد علیزاده نیز در سخنانی ضمن تشکر از حضاران در مراسم، درباره انتشار کتاب مجموعه آثار خود خاطر نشان کرد: «بیشتر از من پرسیده شده بود که آخرین کاریکاتوری که خواهی کشید، چه خواهد بود، من پاسخ دادم که خودم را می کشم که می گویم نمردیم و مریدیم! اما حالا باید بگویم نمردیم و یک کتاب منتشر کردیم. در این سال ها هیچ گاه فرصت نکردم کتاب منتشر کنم و بیشتر مشغول کشیدن کاریکاتور و انتشار نشریه بودم و امروز خیلی خوشحالم که این کتاب منتشر شده است.»

صاحب امتیاز و سردبیر مجله طنز و کاریکاتور در پاسخ به پرسشی درباره بن بست هایی که در زندگی با آنها مواجه شده است، گفت: «همه ما کارکاتور نیست ها گاهی در کارهایمان با بن بست هایی مواجه می شویم و ممکن است کارهایمان با سوء تفاهم هایی مواجه شود. من نیز بارها با این مشکل روبه رو شده ام، اما مهم این است که با کاریکاتورهایی که می کشیم به ادامه دادن امیدوار شویم. من با کار کردن و سوزه پیدا کردن تلاش می کنم از بن بست های بیرون بیایم. زندگی پر از تناقض ها است و کار کارتون هم کشف این تناقض ها و ایجاد رابطه میان آنهاست. من نیز نگاهم همواره به زندگی همین بوده است.»

حسینی پور، مدیر عامل خانه کتاب نیز در این مراسم در سخنانی اظهار کرد: «یادم است که در جریان هفته کتاب از آقای علیزاده به عنوان هنرمند پیشکسوت که کارهای بزرگی انجام داده است، تقدیر شد. امیدوارم فرصت تقدیر از پیشکسوتان بیشتر فراهم شود و آقای علیزاده نیز با قلمش بیشتر به هنر و کتاب خدمت کند. همچنین امیدوارم نگاه به هنر از دریچه کتاب بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.»

نیز هیچ گاه سکوت نکرده و بدون واژه امه از فشار و مزاحمت های آنان با فاطمیت از انصاف و عدالت، چه برای خود و چه برای سایر افراد خانواده کاریکاتور، دفاع کرده است.»

این کاریکاتورست ادامه داد: «پایمردی در انتشار ماهنامه «طنز و کاریکاتور» که آرام آرام به سی سالگی نزدیک شده و جایگاه قدیمی ترین مجله طنز پس از انقلاب را به دست آورده، از دیگر ویژگی های این هنرمند است؛ به طوری که مجله او محلی برای کشف و رشد استعداد های جوان و علاقمند شد که حالا بسیاری از آنان ستاره هایی در سپهر هنر ایران هستند. تمام اینها و بسیاری دیگر که مجال گفتن آنها نیست، دلایلی کافی برای آن بود که گروه پرشین کارتون تلاش خود را برای انتشار مجموعه آثار این هنرمند ار زنده در قالب کتاب آغاز کرده و با افتخار نخستین کتاب جامع کارتون ها و کاریکاتورهای جواد علیزاده پس از قریب به ۵۰ سال فعالیت حرفه ای ایشان را منتشر سازد.»

حیدری با اشاره به همکاری شرکت پرداخت نوین به عنوان حامی انتشار این کتاب بیان کرد: «کتاب حاضر حاصل همکاری موثر حوزه فرهنگ و هنر با اقتصاد است. اگر نگاه مدیران مجموعه های اقتصادی نگرشی فرهنگ ساز و هنردوست باشد، حاصل پیوندشان با مجموعه های فرهنگی و هنری ثمرات ارزشمنندی برای این کشور در بر خواهد داشت. از طرفی مدیریت زمان، دقت فنی و سلیقه هنری «شتر تاش» همچون آثار گذشتگان، آن طور که پیش رویتان خواهد بود، قابل تقدیر است.»

در ادامه این مراسم، با حضور افرادی همچون کامبیز درم پخش، علی دهباشی، یحیی ندین، حسن کریمی زاده و کیوان زرگری از کتاب مجموعه آثار برگزیده جواد علیزاده رونمایی شد.

آقای علیزاده شما قلمتان را نرفروختید

همچنین تیزر روند شکل گیری چاپ کتاب مجموعه آثار برگزیده جواد علیزاده و یک قسمت از انیمیشن دیرین دیرین که از سوی علی درخشی (کارگردان) به علیزاده تقدیم شد، برای حضاران پخش شد.

علی درخشی در سخنانی درباره قسمت ویژه دیرین دیرین برای انتشار کتاب علیزاده اظهار کرد: «این کمترین کاری بود که می توانستم انجام دهم. من زیاد اهل صحبت کردن نیستم؛ چون کسانی که از آقای

جواد علیزاده - کارتونست و کاریکاتورست

باسابقه در مراسم رونمایی از کتاب مجموعه آثار برگزیده خود اظهار کرد: «پیش تر از من پرسیده شده بود که آخرین کاریکاتوری که خواهی کشید، چه خواهد بود؟ من پاسخ دادم که خودم را می کشم که می گویم نمردیم و مریدیم! اما حالا باید بگویم نمردیم و یک کتاب منتشر کردیم.»

مراسم رونمایی و جشن امضای کتاب آثار برگزیده جواد علیزاده عصر روز ۳۰ دی با حضور جمعی از فعالان عرصه فرهنگ و هنر همانند احمد عربانی، کامبیز درم پخش، اسماعیل عباسی، علی دهباشی، محمدعلی ابطحی، جمال رحمتی، آرمان دادوی، علی درخشی، رضارفعی، غلامرضا کبانی، سیف الله صمدیان و نیکنام حسینی پور (مدیر عامل خانه کتاب) برگزار شد.

جواد علیزاده هرگز تن به ابتذال فرهنگی نداد

هادی حیدری که اجرای این مراسم را بر عهده داشت، در سخنانی از جانب گروه «پرشین کارتون» که از برگزار کنندگان این مراسم بود، اظهار کرد: «امروز یکی از روزهای خوب برای کاریکاتور ایران است. گروه پرشین کارتون مفتخر است اولین کتاب جامع استاد جواد علیزاده را منتشر کرده و در مراسم امروز رونمایی کند.»

او درباره اهمیت کتاب مجموعه آثار جواد علیزاده گفت: «اهمیت انتشار این مجموعه به دلیل اهمیت جایگاه و مجموعه فعالیت های کسی است که زندگی خود را وقف هنر کارتون و کاریکاتور کرده است. جواد علیزاده در طول حیات حرفه ای خود، الگوی آفرینش هنر متعهد بوده است؛ هنری اخلاقی که زبان گویای رنج ها و آرزوهای مردم بوده و نسبت به جامعه اش مسئولانه عمل می کند. آثار او رنگ و بوی ایرانی دارد. حیدری با بیان این که علیزاده چه در فرم و چه در محتوا تلاش می کند هنر بومی را جایگزین نمونه های غیر بومی کند، خاطر نشان کرد: «جواد علیزاده از جمله هنرمندانی است که هرگز برای رسیدن به شهرت و ثروت تن به ابتذال فرهنگی ندهد و اعتبار خود را به حراج نگذاشته است. او در بسیاری از موارد که ایستاد کنار حقیقت و عدالت مستلزم پرداخت هزینه بوده با حفظ استقلال حرفه ای خویش جانب حق و حقیقت را گرفته و به راه همه کوشندگان مسیر انسانیت و آزادی پیوسته است. علیزاده در برابر متولیان بی فرهنگی

زیر گذر

«من اگه آدم نیسودم» | حمید خدامرادی

من اگه دغدغه بودم، به جای این که رژیم غذایی یه خانم با کمالات با کلاس باشم، قطع به یقین، بی پولی یه پدر کارگر می شدم که سه ماه حقوقشو نگرفته.

من اگه مشاهیر می شدم جمله های قصارم رو علی کریمی به اسمم یکی دیگه پست می کرد، نزدیک به یک

میلیون هم لایک می خورد. من اگه وعده بودم، وعده ی مسئولی می شدم که همیشه ازم سوء استفاده می شد و هیچ زمانی هم عملی نمی شدم.

من اگه بازار بودم، برای اونی که محتاج و نیاز مندم، همیشه خراب و راكد بودم.

آن طرف این ژاپنی های مارموز و ترسناک به شکل خیلی خفیفی عربستان را بردند. این برد در حالی برای ژاپن به دست آمد که عربستانی ها یک قوطی از ریاض آورده بودند و در بیشتر دقیق باز ژاپنی ها را آن تو حبس کرده بودند.

استرالیا هم خجالت نکشید و شرم نکرد و با این همه امکانات و از این راه دور آمد و به زور در ضربات پناالتی از یک ها را شکست داد. الان هم من بروم ببینم نظر خیابانی در مورد شعور حریف بعدی مان یعنی چینی های عزیز چیست. خب، فعلاً مثل این که خواب است و هنوز بیدار نشده تا چیزی بگوید.

در دیگر بازی این مرحله قرقیزستان مثل اسمش که به معنی سوز زمین قرقی هاست (اینو به یاد جواد خیابانی گفتم) قرقی وار بازی کرد و ۹۰ دقیقه که هیچ، ۱۲۰ دقیقه لوزالمده زاکرونی را به زیر گلویش چسباند و نگذاشت آب خوش از گلو میزبان پایین برود. جواد خدا بگویم چه کارت کند. گفتم قرقی دوباره یاد افتادم. جواد چند روز پیش هم با توجه به این که یکی از اساتید زبان

پرتغالی است، خیلی سریع به حرف های کی روش واکنش نشان داد و جوری زد زیر گریه که من به شخصه غیرتی شدم و داشتم دنبال بلیت می گشتم تا راهی دومی شوم و یقه کی روش را بگیرم و بهش بگویم: «خوبت شد؟ راحت شدی اشک این بچه را در آوردی؟» که خوشبختانه چون حقوق ما نهایتاً به خرید بلیت دوطرفه مترو می رسد، بی خیال شدم و مشغول ذمه کی روش نشدم.

تا لحظه نگارش این مطالب هم هنوز کی روش قاطی نکرده و مصاحبه ای علیه کسی نکرده که خودش جای تعجب دارد و از مسئولان تقاضا دارم هر چه سریع تر این موضوع را پیگیری کنند.

همین الان خبر دادند که جواد از خواب بیدار شده و راهی استودیو شبکه ورزش شده. خب، وقتش رسیده که در این چند جمله آخر کمی هم به حریف بعدی مان یعنی چین بپردازیم. ای بابا، اشاره می کنند که جواد به استودیو رسیده و حرف های جدیدی گفته. من بروم ببینم چه گفته.

جواد خودت بگو باهات چیکار کنیم؟

اشهاب نبوی | جام

ملتهای آسیا در حالی ادامه دارد که جواد خیابانی معتقد است باشعورتر از آن توافقا خودش هم جزو ماست، وجود ندارد. در این میان بین کارشناسان اختلاف افتاده، نه برای این که برخی می گویند ایشان درست می گویند و برخی می گویند نه اختلاف در اینجاست که با جواد چه کار کنیم؟ آیا جواد اصلاح پذیر است و می شود به او فرصت داد؟ آیا او خودش متوجه سوتی هایش می شود یا به نظر خودش همه چیز درست و طبیعی است؟ یا اصلاً جواد زده اون کانال؟ این سوال را از خود جواد پرسیدیم که خودت بگو آدم باهات چی کار کنه؟ جواد در جواب گفت: «خیابانی که در تلویزیون نباشه، قطعاً آن تلویزیون، تلویزیون نیست.» بعد هم زد زیر گریه و گفت: «چو سیمیا میباشد (منظورش صداوسیماست) تن من مباد» که نمی دانم چه ربطی داشت، اما همین را گفت و رفت به ادامه گریه اش رسید. از

